

از: محمد حسین تسبیحی



## مرکز تحقیقات فارسی

### راولپندی - پاکستان

وقتی که از خیابان محمد رضا شاه پهلوی اکنون و خیابان ( مری رود) سابق داخل خیابان لاهور ( لاهور رود یا میورود ) می گردیم، باید شماره ۱۸۴/۳ را در اواسط این خیابان ببایم. در این محل مرکز تحقیقات فارسی بنیاد نهاده شده است .



بنای مرکز تحقیقات فارسی در راولپندی

هم اکنون که این گفتار را مینویسم، تقریباً یکسال است که مرکز تحقیقات فارسی تأسیس شده است و خیلی آرام و بدون سروصدا به کار تحقیق و تتبع و جستجو در زبان و ادبیات فارسی پاکستان و ایران مشغول است.

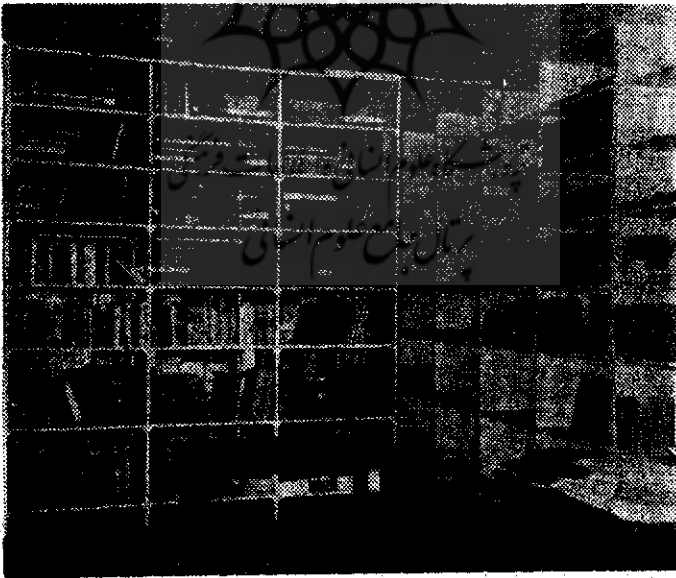
کتابخانه مرکز تحقیقات فارسی، سالن بزرگی است در حدود هشتاد متر مربع که یک در ورودی از راهرو و یک در داخلی به مرکز فیلم و میکروفیلم و یک در هم که همواره مقفول است به ایوان دارد.

دو ردیف پنجره شیشه‌یی که از داخل با تور سیمی آراسته گشته روشنی بخش سالن کتابخانه است و ضمناً از ورود پشه و مگس هم جلوگیری می‌کند. تمام پنجره های مرکز تحقیقات فارسی همین گونه است.

چراغ‌ها و مهتابی های پر نور، سالن کتابخانه را همچون روز روشن کرده است.

قفسه‌ها همه از چوب با اسلوب فنی و در اندازه های متنوع ساخته شده‌اند به طوری که هر گونه کتابی با هر اندازه و مقیاسی که باشد می‌تواند درون طاقچه های آن قرار گیرد.

هم اکنون در قفسه های کتابخانه مرکز تحقیقات فارسی دو هزار و



بخشی از سالن کتابخانه مرکز تحقیقات

پانصد مجلد کتاب چاپی و ۸۷ مجلد کتاب خطی فارسی قرارداد وسی هزار و نوزده صفحه میکروفیلم از کتابهای کهن خطی فارسی تهیه شده است .

در آینده نزدیک مجله اختصاصی مرکز تحقیقات فارسی همه کتابهای خطی و چاپی و میکروفیلم های کتب خطی را معرفی خواهد کرد .

علاوه بر این کتابها ، مجلات ارزنده ادبی و تاریخی و هنری همزینت بخش قفسه های کتابخانه و بهره رسان دانشمندان و محققان است .

فهرست کتابخانه مرکز تحقیقات فارسی ، براساس روش وفن کتابداری «ملویل جان دیوئی» تهیه میگردد و مخصوصاً کوشش بسیار می شود که در تهیه این فهرست از همه تجارب کتابداران و کتابشناسان ایران و جهان بهره مندی حاصل آید . تاکنون ۶۲۲ مجلد کتاب فهرست کرده ایم . این فهرست را ، «فهرست مادر» نامیده ایم که از روی آن امکان دارد پنج تا شش و شاید تا ده برگه بر حسب موضوع و مؤلف و مترجم و مصحح و نام کتاب و غیره تهیه گردد .

از کتابخانه خارج میشویم ، دست چپ راهرو به جایگاه فیلم و میکروفیلم و عکاسی و تاریخ خانه مرکز تحقیقات فارسی میرسیم . در این جایگاه دستگاه های مختلف میکروفیلم و فیلم برداری نسخه های خطی قرارداد شده که البته هنوز تکمیل نشده است . آبدارخانه مرکز تحقیقات فارسی که همواره از مهمانان پذیرایی میکند ، در این قسمت قرارداد .

پس از جایگاه میکروفیلم و فیلم برداری و آبدارخانه به اطاق کارمندان و ماشین نویسی و منشی ، که در دست راست راهرو قرارداد می رسیم . در این اطاق فعلاً ماشین نویسی و منشی و حسابدار کار می کنند .

از اطاق کارمندان که بیرون شدیم در انتهای راهرو به دو اطاق دیگر می رسیم . اطاق دست راست مخصوص مدیر مرکز تحقیقات فارسی است . مدیر را می بینیم که با عزم درست و چهره یی اندیشمند و روی گشاده پشت میز نشسته است . از اولین برخوردمان با وی متوجه می شویم که یک شخصیت علمی و یک کارشناس هنر و تاریخ و ادب را ملاقات کرده ایم .

او همه زبانهای معروف پاکستان را می داند ، ( یعنی : اردو ، پنجابی ،

سندی ، بنگالی ، پشتو ، بلوچی ، ملتانی ، گجراتی ، هندی ؛ به اضافه عربی و انگلیسی . البته زبان فارسی هم ، زبان مادری و میهنی وی است . او علاوه بر این زبانهای زنده امروزی ، به اوستا و پهلوی و سنسکریت نیز تسلط دارد و در این باره کتابها و مقالهها نگاشته و سالها تدریس کرده است . او زبان شناسی ماهر و ایران شناسی متخصص و پاکستان شناسی آگاه است . اعضاء و استاد انجمن ایران باستان ایران است .

دو قفسه در اطاق مدیر قرار دارد که مجموعه‌ی از کتب بسیار گرانبهای پاکستان شناسی و ایران شناسی و گویش شناسی و زبان شناسی در آنها جای داده شده و همواره محل مراجعه او است .

روی میز مدیر ، صدها نامه و گزارش و گفتار و تقاضا و پرسش است که از نقاط مختلف پاکستان و ایران به او نوشته شده است و همه در مورد کتابهای چاپی و خطی ، پرسشهایی کرده و فهرست هایی خواسته اند . خط و زبان این نامهها و پرسشها متنوع و گوناگون است ، اما فارسی واردوی آنها بیشتر است . فعلا همه امور علمی مرکز تحقیقات فارسی ، بزرعهده مدیر است .

در دست چپ اطاق مدیر ، اطاقی دیگر است که مخصوص اطاق مطالعه و اطاق مهمانان است . افراد یا اشخاصی که برای مطالعه و تحقیق به مرکز تحقیقات فارسی وارد می گردند ، بدین اطاق راهنمایی می شوند . این اطاق دارای میز مطالعه و قفسه کتاب و کمد و وسایل استراحت و حمام است ، زیرا کسانی که برای تحقیق و جستجو و تتبع ادبی و تاریخی و هنری و علمی بمرکز تحقیقات فارسی می آیند ، امکان دارد ، چند روزی مهمان مرکز تحقیقات فارسی باشند . بدین جهت است که این اطاق ، مجهز و آماده شده تا همواره مهمانان و مطالعه کنندگان زبان و ادب فارسی آن را مورد استفاده قرار دهند و در زحمت نباشند .

در مرکز تحقیقات فارسی ، گنجینه کتب خطی سازمان یافته است . این گنجینه که به زودی فهرست آن تهیه میگردد و اندک اندک بصورت کتاب در می آید و در اختیار ادبا و فضلا و دانشمندان تاریخ و ادب و هنر فارسی قرار

میگیرد، جایگاهی ویژه دارد. فعلا ۸۷ مجلد کتاب خطی در این گنجینه موجود است و کوشش مرکز تحقیقات فارسی این است که پیوسته بر موجودی کتاب های این گنجینه بیفزاید.

بعد از کتابهای خطی، میکروفیلم های کتب خطی جایی مخصوص دارند. این میکروفیلم ها، شامل ۷۸ کتاب خطی کهن و دارای ۳۰۰۱۹ صفحه است که بیشتر آنها از روی کتابهای خطی ارزنده فارسی موزه ملی پاکستان در کراچی تهیه شده است.

هم اکنون دانشمندان و استادان ادب دوست و فارسی دان پاکستان، همکاریهای ذیقیمتی را با مرکز تحقیقات فارسی آغاز کرده اند. آنان در نقاط مختلف پاکستان مشغول تهیه فهرستهای گوناگون کتب خطی فارسی از کتاب خانه های عمومی و خصوصی میباشند. یکی از همین دانشمندان میگفت: در موزه ملی پاکستان، در حدود چهارده هزار کتاب خطی وجود دارد که شاید ده هزار آن فارسی باشد. دانشمندیگری اظهار میداشت که چند کتابخانه شخصی را در حیدرآباد سند میشناسد که هر کدام تعداد زیاد کتب خطی فارسی کهن دارند و هنوز این کتابها فهرست نشده اند و صاحبان این کتابخانه ها هم نمیدانند که چند کتاب و چه کتابهایی در کتابخانه هایشان دارند. تنها باید از آنها فهرست دقیق علمی مطابق فن کتابشناسی خطی تهیه گردد تا بتوان این ذخایر عظیم بر صغیر را از زوال و نیستی رهایی بخشید و زبان فارسی پاکستان و ایران را جلوه و جلالی داد و برونق و کمال روزگاران گذشته بازگردانید. زیرا این کتاب های خطی و این میکروفیلم های کتب خطی و این کتابهای چاپی فارسی، همه آثار ادبی و تاریخی و هنری پاکستان و ایران هستند.

ما نباید بگذاریم آنها را کرم و خاک بخورد. هدف مرکز تحقیقات فارسی همین است که این آثار ارزنده را در یک جا گرد آورد و فهرست آنها را آماده کند تا دانشمندان و محققان و زبانشناسان و مورخان امروز و آینده پاکستان و ایران به آسانی بتوانند آنها را مورد استفاده قرار دهند و در هنگام تصنیف و تألیف و تصحیح درمانده و سرگردان نباشند و از این طریق ارتباط ادبی و هنری و تاریخی پاکستان و ایران مستحکم تر شود.

## بقیه از صفحه ۱۸۱

شمس الدین شیرازی که به عبدالحق موسوم بود در روزگار جوانی سعدی شاعر میزیست و در طلب علم به دارالخلافه بغداد و کشور ایران سفر کرده و تا خراسان رفته بود و پس از بازگشت در ۶۴۱ فوت کرد. این خانواده پس از غلبه صلاح الدین بر شام دنباله نفوذ مذهبی خود را تا مصر هم پیش بردند و در جنگهای صلیبی نیز شرکت جستند.

نویسندگان طبقات حنابله از افراد این خاندان همواره به عزت و حرمت ناممیرند و برای ایشان که ناشر مذهب حنبلی بجای شیعه فاطمی در شام و قدس و مصر بوده اند حق فضیلت و اولویت قائلند از آن میان، کتاب طبقات این مفلح که اصل آن بدست ما نیفتاده است ولی از اقتباسات آن در کتابهای تاریخی دیگر برخوردار شده ایم در حفظ مناقب افراد خاندان شیرازی حنبلی سهم وافی دارد.

آنجا که سعدی در گلستان خود سخن از پیروی صدویست ساله در شام میگوید که هنگام نزع روان بفارسی سخن میگفت: نقل این داستان مینماید که دمشق در ربع دوم از صدهفتم که سعدی در آنجا رحل اقامت افکنده بود هنوز زیر نفوذ سیاسی آل ایوب کرد و نفوذ فرهنگی و مذهبی طایفه سعدی شیرازی حنبلی، با زبان و فرهنگ ایرانی رابطه خاصی داشته است؛ نفوذی که پس از ربع قرن توقف سعدی در آن سرزمین مانع از تأثیر کامل او به اسلوب تفکر و تمییز زبان عربی بلیغ شده بود و به شعر عربی سعدی روح ترجمه تحت اللفظی فارسی میبخشید و سخن فارسی او را پس از یک ربع قرن توقف در بلاد عرب در مرحله کمال بلاغت حفظ کرده بود.

سعدی در گلستان از رابطه خود با ابن جوزی حنبلی و قبول تربیت از او سخن میگوید و صرف نظر از اینکه منظورش ابوالفرج اول یا دوم بوده شاید این هم قرینه ای بر ارتباط او با حنابله بغداد محسوب شود. بنابراین شریک ساختن سعدی شیرازی در نسبت با طایفه حنبلی انصاری سعدی شیرازی مهاجر و مقیم شام در یک نسبت بمراتب به قبول ذوق و عقل نزدیکتر از این است که بگوئیم شاعر تخلص و شهرت خویشان را از نام فلان امیر یا امیرزاده زنگی یا ترک گرفته است.

سعدی به اعتبار بیثوته در مدرسه نظامیه بغداد و اظهار ارادت به شهاب الدین سهروردی احتمال قوی میرود که در عقیده مذهبی با شافعیان فارس از شیرازیان حنبلی مهاجر به شام نزدیکتر بود و به صرف ذکر نامی از ابن جوزی

در گلستان نیاید اورا حنبلی متعصب شناخت بلکه ارتباط اورا با شیرازیان سعدی انصاری شامی باید به همان جنبه نسبی محدود دانست .

حال ببینیم دنباله این نسب چرا در بوم و بر اصلی، یعنی شیراز چنین قطع شده است .

شاید آن دسته از سعدیان شیرازی که در فارس باقیمانند و از عقیده شافعی و بعد ها از تشیع پیروی کردند نام سعدی و عبادی و خزرجی را که بیشتر مطلوب مردم شام و بلاد دیگر عرب بوده به انصاری تبدیل کرده باشند و امروز آثار آن قبیله را بتوان در جزو بقایای انصاریان اصیل شیرازی در اصفهان و شیراز یافت .

\*\*\*

وقتی حکومت جمهوری سوریه برای یادآوری و بزرگداشت سوابق حقوق ادبی و دینی شیخ سعدی، هفده سال پیش از این خیابانی و میدانی را در پای کوه صالحیه که قدیمترین پایگاه نزول مهاجرین شیرازی و کرد به دمشق بوده به خیابان سعدی شیرازی و میدان سعدی شیرازی نام گزارد، امیر حسن جزائری از نوادگان امیر عبدالقادر جزائری که ریاست دبیرخانه مجمع لغوی عربی را داشت و درباره سوابق خاندان حنبلی سعدی شیرازی در دمشق تحقیقاتی کرده بود، ضمن تهنیت مرا گفت: شهرداری دمشق با این عمل يك تیر به دو نشان زده است .

یکی تجلیل از شاعری مسلمان و ایرانی که قسمت مهمی از عمر خود را صرف خدمت بدین و دنیای مردم سوریه کرده بود و دیگری تذکار خاندانی از علمای شام که در این نسبت با آن شاعر ایرانی شرکت داشته و مدت سیصد سال متوالی در مسند تدریس و فتوی و بر منبر وعظ و خطابه و در مقام تصنیف و تألیف به همشهریان دمشقی خود خدمات ارزنده ای کرده بودند . وقتی به او گفتم تصور میکنم هر دو گل از یک گلبن شکفته باشند و هر دو سعدی از بستگان يك خانواده قدیمی از مردم شهر شیراز بوده اند، خشنود گردید و آنرا دلیل دوام پیوند معنوی در میان مردم ایران با کشورهای اسلامی دیگر بشمار آورد .

محمد - محیط طباطبائی